

# Halalness of slaughtered people of the Book from the point of view of Islamic commentators with emphasis on the interpretation of Tasnim and Al-Mizan (based on verse five of Surah Ma'idah)

(Received: 2021/11/21- Accepted: 2022/10/12)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.7.1.1.0>

Sayed Mahmoud Tayeb Hosseini<sup>1</sup>, Umm al-Binin Ahmadian Aliabadi<sup>2</sup>

## Abstract

Is the slaughtered animal by the people of the book lawful or not? This issue has been the subject of controversy among commentators and jurists for a long time. Muslim jurists are divided into two groups regarding this issue, few Shia jurists and the majority of Sunni jurists believe that the animal meat slaughtered by the People of the Book is lawful while the majority of Shia jurists consider the slaughter of the People of the Book to be haram. In this article, the opinion of two great Shia commentators, Allameh Tabatabai, and Ayatollah Javadi Amoli, has been explained. These commentators believe that the sacrifices of the people of the book are valid, But the meaning of the word "food" is the source of their different opinion. Allameh believes that what is meant by food is grains and does not include the ritual sacrifices of the people of the book, and Ayatollah Javadi Amoli, with Quranic and customary arguments, as well as internal evidence and verses, states that food does not mean specifically barley and wheat. It includes cooked and raw food. As a result, the verse provides the solution of food prepared by the People of the Book, both slaughtered and non-slaughtered. Accordingly, the argument requires two things: 1. Purity of the people of the book; 2. Their slaughtered animal to be lawful

**Keywords:** lawful Zabaih, Zabiha of Ahlul Kitab, Food Ahlul Kitab, Allameh Tabatabai, Javadi Amoli

1. Associate Professor, Department of Quranic Studies, Research Institute and University, Qom, Iran. [tayebh@rihu.ac.ir](mailto:tayebh@rihu.ac.ir).

2. Level 4, Tafsir, Masumieh School, Qom, Iran, (Responsible author). [ahmadian1366@gmail.com](mailto:ahmadian1366@gmail.com)



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

# حلیت ذبایح اهل کتاب از منظر مفسران اسلامی با تاکید بر تسنیم و المیزان (بر اساس آیه پنج سوره مائده)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.7.1.1.0>

سید محمود طیب حسینی<sup>۱</sup>

ام البنین احمدیان علی آبادی<sup>۲</sup>

چکیده

مسئله حلیت یا حرمت ذبیحه اهل کتاب، از دیرباز محل بحث مفسران و فقیهان بوده است. اختلاف نظر در این موضوع پیرامون این است که آیا حلیت ذبیحه، مشروط به مسلمان بودن ذبح کننده است، یا شامل ذبح اهل کتاب، نیز می شود؟ فقه‌های مسلمان در مواجهه با این مسئله، به دو دسته تقسیم شده‌اند: اندکی از فقیهان امامیه و غالب فقیهان اهل سنت به حلیت گوشت حیوان ذبح شده توسط اهل کتاب معتقدند و غالب فقیهان امامیه، ذبیحه اهل کتاب را حرام می دانند. در این مقاله به روش تطبیقی، نظر دو مفسر بزرگ شیعه معاصر، علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی، بررسی شده است. دو مفسر قائل به حلیت ذبایح اهل کتاب‌اند، اما آن چه که باعث اختلاف مفسران در این مسئله شده است برداشت هر یک از آن‌ها در معنای لفظ «طعام» است. علامه قائل است که مراد از طعام، حیوانات است و حلیت ذبایح اهل کتاب را شامل نمی شود، و آیت الله جوادی آملی با استدلال‌های قرآنی و عرفی و همچنین شواهد داخلی و آیه بر آن است که، طعام به معنای خصوص جو و گندم نیست، بلکه شامل غذای مطبوخ و مرطوب نیز می شود. در نتیجه ظاهر آیه مورد بحث حلیت طعام مطبوخ اهل کتاب، اعم از مذبوح و غیرمذبوح را بیان می کند و لازم آن دو چیز است: ۱. طهارت اهل کتاب؛ ۲. حلیت ذبیحه آن‌ها.

**کلید واژه‌ها:** حلیت ذبایح، ذبیحه اهل کتاب، طعام اهل کتاب، علامه طباطبایی، جوادی آملی

۱. استاد گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. [tayebh@rihu.ac.ir](mailto:tayebh@rihu.ac.ir)

۲. طلبه سطح ۴، رشته تفسیر، مدرسه معصومیه، قم، ایران، (نویسنده مسؤول). [ahmadiean1366@gmail.com](mailto:ahmadiean1366@gmail.com)



## مقدمه

دین اسلام به عنوان نظامی جامع، هماهنگ و کامل در صدد مدیریت تمام زوایای زندگی انسان است، یکی از وجوه این مدیریت، بیان احکام دربارهٔ خوراک مسلمانان است. به همین دلیل، مباحث مربوط به اطعمه، اشربه، صید و ذباحت در کتاب‌های روایی و فقهی، همواره ابوابی را به خود اختصاص داده‌اند. تحولات عصر حاضر، سبب رواج و گسترش مسافرت و مهاجرت مسلمانان به کشورهای غیر مسلمان و غیر مسلمانان به کشورهای اسلامی می‌شود. حلیت یا حرمت ذبح توسط اهل کتاب، یکی از مسائل مهم و اختلافی است که بازپژوهی آن، با توجه به تحولات زمان حاضر ضروری است. آیات متعددی پیرامون حرمت و حلیت خوراک انسان آمده است که مورد اتفاق فقه‌های عامه و شیعه می‌باشد و تنها آیه‌ای که مورد اختلاف بین شیعه و اهل سنت است. آیه ۵ سورهٔ مائده است که خداوند می‌فرماید: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَلٌ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسْلِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آن‌ها حلال؛ و (نیز) آنان پاکدامن از مسلمانان، و آنان پاکدامن از اهل کتاب، حالانکه؛ هنگامی که مهر آن‌ها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آن‌چه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباہ می‌گردد؛ و در سرای دیگر، از زیان کاران خواهد بود».

انتخاب دو تفسیر تسنیم و المیزان از میان صدها تفسیر نوشته‌شده بر قرآن کریم، به چهار عامل اساسی بازمی‌گردد که کمتر می‌توان تمام این عوامل را در دیگر تفاسیر بازجست: ۱. صاحبان این تفاسیر نیز از جمله شخصیت‌های برجسته در اندیشه اسلامی هستند که شاگردان بارزی را در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی پرورش دادند. از این رو، انجام مطالعه تطبیقی میان این دو تفسیر از یک مقایسه معمولی فراتر می‌رود؛ ۲. هر دو تفسیر، در دورهٔ معاصر به رشته تحریر درآمده و از این رو، مؤلفان‌شان با مباحث جدید و گسترش روابط و رفت و آمد مسلمانان با اهل کتاب در دنیای جدید مواجه بودند، در حالی که بسیاری از مفسران در دوره‌های می‌زیسته‌اند که مسلمانان روابط تجاری، اقتصادی و سیاسی زیادی با اهل کتاب نداشتند؛ ۳. صاحبان المیزان و تسنیم، اگرچه در مبانی و روش تفسیری، فقهی، و اندیشگانی تفاوت اساسی با یکدیگر ندارند، اما با توجه به این که یکی در شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قبل از انقلاب و دیگری در شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب به تفسیر دست زده‌اند؛ می‌تواند

بر دیدگاه‌های تفسیری و فقهی آنان اثر گذار بوده باشد؛ ۴. دلیل پایانی که در انجام این پژوهش، محقق را به انتخاب تفاسیر المیزان و تسنیم سوق داده است، نظارت تفسیر تسنیم بر المیزان بوده است. از این رو، مطالعه تطبیقی این تفاسیر از اهمیت بسزایی برخوردار است. اهتمام ویژه آیت‌الله جوادی به تفسیر المیزان و نقل دیدگاه‌های وی تا آن حد است که برخی از قرآن پژوهان تسنیم را شرحی بر المیزان تلقی کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۲: جلد‌های متعدد؛ جوادی، ۱۳۹۱: جلد‌های متعدد).

در این آیه مباحث کلیدی زیادی وجود دارد از جمله؛ معنای محصنات، جواز ازدواج برای نکاح موقت یا دائم، نسخ یا عدم نسخ آیه، حلیت ذبیح و طعام اهل کتاب. از میان محورهای یاد شده، در این مقاله بحث، محدود به حلیت طعام اهل کتاب می‌شود و این که آیا طعام آن‌ها شامل ذبیحه‌های آن‌ها هم می‌شود یا نه؟

مسئله به محدوده دیدگاه تفسیری محدود می‌شود و قرار نیست در این پژوهش، مباحث فقهی مطرح شود، مگر در حد اشاره به دیدگاه‌های مشهور در این مسئله، به ویژه، بین خود مفسران شیعه از بین این مباحث، فقط بحث در حلیت طعام اهل کتاب است، زیرا مفسران کلمه «طعام» را به معنای مختلفی گرفته‌اند و آیه را تفسیر کرده‌اند. بنابراین، می‌توان بیان کرد که اختلاف اصلی آنان در بحث حلیت نیست، بلکه در بحث معنا و برداشت هریک از این مفسران در کلمه «طعام» است.

مقاله‌هایی پیرامون موضوع تحقیق از سوی محققان و پژوهشگران نوشته شده است که مهمترین آن‌ها عبارت است از: ۱. نظریه حلیت ذبیح اهل کتاب از محمد ابراهیم جنّاتی که از لحاظ فقهی و اصولی به این مبحث پرداخته است و در مسئله حلیت و یا حرمت ذبیح اهل کتاب به گونه مطلق و یا اختصاص حلیت به موردی که رعایت نشده باشد اشاره شده است و سعی شده که این مسئله را بر اساس مبانی فقهی اجتهادی قرآن و احادیث و منابع دیگری که در ارتباط با این مسئله است مورد بررسی قرار دهد؛

۲. ذبیحه اهل کتاب در آیات قرآن و روایات فریقین، نوشته وحید شاهنده و علی ملکی. در این مقاله، اعتقاد به حلیت و حرمت ذبیحه اهل کتاب را به دو دسته موافق و مخالف

تقسیم می‌کند و به شرح و تبیین دلایل هر دسته هم که شامل قرآن و احادیث و اجماع و تقیه است می‌پردازد؛ ۳. جستاری تفسیری در حلیت ذبیحه کتابی اثری از محمد جواد

عنایتی راد است. محقق پس از بررسی‌های تفسیری، ضمن توجه به تعارض موجود در معنای واژه طعام، در جهت رفع تعارض روایات، بیان دارد که باید به ظاهر آیه رجوع نمود و یا این که روایات حلیت ذبیحه را به جهت داشتن تطابق با آیه، دارای رجحان دانست؛ ۴. کاوشی فقهی - تفسیری در حلیت ذبیحه کتابی در آیه مائده نوشته محمد جواد عنایتی راد که در این مقاله نیز بعد از بررسی‌های لغوی چند اصطلاح در آیه به

بحث فقهی و تفسیری که در این زمینه می‌باشد، اشاره شده است. با این همه، تاکنون این آیه از دیدگاه مفسران شیعه یا عامه به صورت تطبیقی، به ویژه میان دیدگاه دو مفسر نامدار معاصر شیعه؛ یعنی علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی انجام نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است، تا با روشی تطبیقی و کتابخانه‌ای بعد از مفهوم‌شناسی دو اصطلاح ذبایح و اهل کتاب و معرفی دو مفسر بزرگ مورد تحقیق به تبیین معنای طعام که از جهت، معنایی مورد اختلاف مفسران اهل تسنن و شیعه قرار گرفته پیردازد و در آخر دیدگاه‌المیزان و تسنیم را پیرامون حرمت یا حلیت طعام اهل کتاب تبیین نماید.

## مفهوم‌شناسی

### ۱- ذبایح

«ذب ح» اصل واحدی است که بر شکافتن دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳۶۹/۲) ذبح یا تذکیه در لغت به معنی بریدن، شکاف دادن یا قطع کردن حلقوم حیوان است. و به حیوان ذبح شده «ذبیحه» گفته می‌شود؛ که جمع آن «ذبایح» می‌باشد (فراهیدی، بی‌تا: ۲۰۲/۳؛ فیومی، بی‌تا: ۲۰۶/۱؛ زبیدی، بی‌تا: ۳۶۸-۳۶۷/۱؛ ابن سیده، بی‌تا: ۲۹۲/۳-۲۹۴؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۳۶۲/۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۲۱/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۶/۲). ذَبِح، در لغت به معنای بریدن سر حیوانات است. در فقه اسلامی، ذبح یکی از راه‌های تذکیه حیوانات است که با بریدن رگ‌های چهارگانه گردن حیوان، تحقق پیدا می‌کند. حیوانات حلال گوشتی که در خشکی زندگی می‌کنند (بجز شتر و ملخ) و حیوانات دریایی که خون جهنده دارند، با ذبح کردن به شیوه شرعی، تذکیه می‌شوند (شاهرودی، ۱۳۸۲: ۷۰۲/۳).

### ۲- اهل کتاب

به خانواده و خویشاوندان اهل گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۸/۱۱). واژه «اهل کتاب» به معنای وابستگان به کتاب می‌باشد که در این‌جا منظور از کتاب، کتاب آسمانی ادیان الهی است. لغت‌شناسان اهل کتاب را یهود و نصاری دانسته‌اند. (حسینی، بی‌تا: ۴۵/۲۸) البته برخی از لغت‌شناسان کسانی را که به دین آسمانی اعتقاد دارند، نیز اهل کتاب دانسته‌اند که برای آن‌ها کتاب نازل شده است؛ مانند: صحف حضرت ابراهیم (علیه السلام). (ر.ک: مجددی برکتی، ۱۴۲۴: ۳۹) اهل کتاب ملل دینی هستند که برای آن‌ها پیامبری، قبل از پیامبر اسلام مبعوث شد و برای آن‌ها کتاب نازل شد و به همین جهت اهل کتاب نامیده شدند و قدر متیقن از آن‌ها یهود و نصاری (مسیحیان) هستند (صدر، ۱۴۲۰: ۴۹۲/۸-۴۹۳)، لیکن برخی، کسانی مانند مجوسیان را نیز که در کتاب

داشتن شان شبهه است، در حکم اهل کتاب می دانند. (طوسی، ۱۳۸۷: ۲/ ۹؛ ابن مکی، ۱۴۱۷: ۲/ ۳۱؛ جصاص، ۱۴۳۱: ۴/ ۳۳۴؛ ابن انس، ۱۴۱۵: ۲/ ۲۱۹؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱/ ۲۲۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴/ ۱۸۲-۱۸۳) از ابن عباس نقل شده است که اهل کتاب شامل صابئین نیز می شود. (راغب، ۱۴۲۴: ۴/ ۲۷۶-۲۷۷؛ سیوطی، بی تا: ۳/ ۲۵؛ ابن حنبل، بی تا: ۲۲۸-۲۴۱؛ ابن الجوزی، ۱۴۲۲: ۱/ ۵۱۷؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۱/ ۳۴۵؛ شیرازی، بی تا: ۱/ ۴۵۷؛ رباط وعید، ۱۴۳۰: ۸/ ۳۴۴؛ قدوری، ۱۴۱۸: ۲۰۶) مصداق «اهل کتاب» یهود، نصاری، صابئین و مجوسیان هستند. البته از دیرباز محل اختلاف است که آیا اهل کتاب فقط به یهود و نصاری اطلاق می شود، یا به تمام گروه های نام برده در آیه مذکور نیز گفته می شود.

### ۳- مروری بر آیه ۵ مائده

سوره مائده، مطابق برخی روایات آخرین سوره نازل شده قرآن یا قبل از آخرین سوره است (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱/ ۶۰) و احکام فقهی مختلفی را در بردارد. در آیه ۵ سوره، ابتدا حکم حلال بودن طبیات بیان شده و با کلمه "الیوم" آغاز شده تا دوباره این نعمت خود را برای بندگان مؤمن خود یادآوری کند، آن گاه فرموده طعام اهل کتاب و زنان پاکدامن ایشان نیز از طبیات است (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰/ ۱۱۳؛ طباطبایی، بی تا: ۵/ ۳۵۲). انگیزه نزول آیه؛ جواز برقراری رابطه با اهل کتاب است که ضمن بیان احکامی فقهی آمده است. خطاب به مسلمانان فرمود که امروز، شما با پیروزی اسلام و ناامیدی کافران، مانعی برای ارتباط با اهل کتاب ندارید و برقراری رابطه دوطرفه در تجارت و رابطه یک سویه در نکاح موقت با زنان اهل کتاب، آزاد است. توضیح این که اسلام از منظر جهان شمولی خود ارتباط همه جانبه را نسبت به همه مردم جهان ملحوظ داشته، مگر کسانی که به میثاق بین الملل یعنی عهد، سوگند و مانند آن پایبند نیستند و آن را رعایت نمی کنند و رابطه با آن ها جز خسارت بهره ای ندارد. (جوادی، ۱۳۹۱: ۲۲/ ۴۷)

### ۳-۱- دیدگاه مفسران در حلیت ذبائح

آشنایی با دیدگاه مفسران گذشته به منظور شناخت میراث تاریخی دیدگاه های این دو مفسر و دستیابی به شباهت ها و تفاوت های احتمالی میان آرای آنان با گذشتگان و میزان اثرپذیری آنان از سنت مطالعات تفسیری جهان اسلام لازم به نظر می رسد. و بدین سان، اطلاعات مهم و سودمندی در باب شیوه تفسیری آنان به دست می آید؛ مثلاً نشان می دهد که این تفاسیر تا چه اندازه از سنت تفسیری اثر پذیرفته اند و یا از این سنت فاصله گرفته و با رویکرد عصری به رشته تحریر درآمده اند.

### ۳-۲- دیدگاه فقهاء و مفسران شیعه

در میان فقها و مفسران شیعه، پیرامون معنای طعام، سه رأی مطرح است:

۱. مقصود از طعام، گندم یا حبوبات است؛
  ۲. مقصود از طعام، ذبایح است؛
  ۳. مقصود از طعام، ذبایح است، مشروط بر آنکه شرایط تذکیه اسلامی را رعایت کنند.
- بیشتر فقها و مفسران شیعه، رأی نخست و برخی نیز رأی دوم و سوم را برگزیده‌اند. عده‌ای از مفسران شیعه، در تفسیر این آیه گفته‌اند که منظور از طعام، مذبوحات است و این آیه به رخصت ذبایح اهل کتاب اشاره دارد که منظور از آن‌ها یهود و نصاری هستند (سیواسی، ۱۴۲۷: ۲۶۲/۱)؛ یعنی ذبایح آن‌ها برای شما و ذبایح شما برای آن‌ها حلال است (داورپناه، ۱۳۶۶: ۱۲۹/۲). برخی دیگر از مفسران شیعه درباره واژه طعام در این آیه گفته‌اند: منظور از طعام در این جا «حبوبات» است؛ زیرا اهل کتاب هنگام ذبح، نام خدا را نمی‌برند و تسمیه (بردن نام خداوند) از شرایط حلیت ذبح است (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۴۴/۳). برخی از مفسران، دلیل خود مبنی بر دلالت واژه طعام بر حبوبات و میوه‌ها را روایتی از امام صادق (علیه السلام) دانسته‌اند که امام فرمود: «منظور از طعام اهل کتاب حبوبات و میوه‌ها است، نه ذبیحه‌های آن‌ها؛ زیرا آن‌ها هنگام ذبح کردن نام خدا را نمی‌برند» (شیرازی، ۱۳۸۲: ۱/۴۹۴؛ عاملی، ۱۴۱۴: ۶۶/۲۴). برخی دیگر از مفسران در مورد این آیه معتقدند که منظور از واژه طعام در آیه، تمام اطعمه می‌باشد، به جز طعامی که بر تحریم آن دلیل اقامه شده باشد و منظور از آن، ذبایح اهل کتاب نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۹/۳-۲۸۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۱۴/۱). فیض کاشانی در تفسیر خود می‌نویسد: در اغلب روایات منظور از طعام، حبوبات است و نباید از ذبایح اهل کتاب خورد، مگر این که ذابح یا شخص دیگری شهادت دهد که ذابح اهل ایمان است و تسمیه را بجا آورده است که در این صورت خوردن از طعام اهل کتاب و خرید و فروش با آن‌ها اشکالی ندارد. (فیض، ۱۴۱۵: ۱۲/۲) و در تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) روایت آورده که در تفسیر آیه شریفه: «و طعامهم حل لکم» فرموده: منظور از این طعام عدس و حبوبات و امثال آن است، و ضمیر «هم» به اهل کتاب بر می‌گردد (عیاشی، ۱۴۱۱: ۲۹۶/۱، ح ۳۷). مرحوم طوسی به نقل از تهذیب آورده: عدس و نخود و غیر ذلک (طوسی، ۱۴۰۱: ۸۸/۹، ح ۳۷۳) و در کافی و تهذیب در چند روایت از امام صادق (علیه السلام) در پاسخ سؤال‌هایی که درباره طعام اهل کتاب و آنچه از آن حلال است، کلمه حبوب آمده است (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۶۳/۶، ح ۱ و ۲؛ طوسی، ۱۴۰۱: ۸۹/۹-۸۸). فقیهان امامیه، در خصوص مسئله حلیت ذبیحه اهل کتاب به دو دسته مخالفان و موافقان حلیت ذبیحه اهل کتاب تقسیم شده‌اند.

تعداد اندکی از فقیهان شیعه، مانند ابن جنید اسکافی، ابن ابی عقیل و صدوق، ذبیحه

اهل کتاب را حلال می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۷: ۸۰/۳۶). از میان فقیهان امامیه، ابن ابی عقیل که عصر غیبت صغری را درک کرده است. در کمال روشنی به حلال بودن حیوان ذبح شده توسط اهل کتاب فتوا داده است: در خوردن از گوشت چهار پایانی که به دست یهود و نصاری کشته می‌شوند، اشکالی وجود ندارد. (ابی عقیل عمانی، بی‌تا: ۱۴۶) ابن جنید اسکافی در این باره چنین نظر داده است: گوشت حیوان‌های سر بریده شده به دست اهل کتاب، حلال ولی مکروه است. (ابن جنید، ۱۴۱۶: ۳۱۴) شیخ صدوق نیز خوردن از گوشت چهار پایانی را که غیر مسلمانان (یهود، نصاری و مجوس) سر بریده باشند، در صورت ذکر نام خداوند توسط ذابح اهل کتاب، حلال دانسته است (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۴۱۷).

### ۳-۳- دیدگاه فقها و مفسران اهل تسنن

اما نظر فقها و مفسران پیرامون حلیت طعام اهل کتاب روشن است. مهم تعیین مقصود آیه از کلمه طعام است. فقها و مفسران اهل سنت بر دو رأی عمده اجتماع دارند:

۱. مقصود از طعام، مطلق طعام و خوردنی هاست، اعم از ذبایح و غیر آن؛

۲. مقصود از طعام، ذبایح است.

بیشتر فقها و مفسران اهل سنت رأی دوم را برگزیده‌اند. که در ادامه به طور مفصل می‌آید.

مفسران اهل سنت، پیرامون مفهوم واژه «طعام» در آیه مذکور چنین نظر داده‌اند که طعام بر ذبائح اهل کتاب دلالت دارد، طبق این آیه خوردن ذبیحه اهل کتاب حلال است و به آن رخصت داده شده است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۱/۳۹۵). در این حکم، نصاری عرب با دیگران نیز مساوی هستند؛ زیرا از ابن عباس درباره ذبائح اهل کتاب سؤال شد که ابن عباس گفت: اشکالی ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۶۰۷). مالکیان می‌گویند: طعام اسم چیزی است که خورده می‌شود و در این جا به طور خاص و به نظر تعداد کثیری از علما، منظور از آن، ذبائح می‌باشد (قرطبی، ۱۴۰۵: ۶/۷۶). شافعی نیز در تفسیر این آیه می‌گوید که احتمال دارد منظور از طعام، ذبائح و آن چیزهایی باشد که مطمئن نیستیم آن طعام بر ما حرام است (ر.ک: ابن ادریس، ۱۴۲۷: ۲/۶۹۲). سیوطی درباره واژه طعام در این آیه، از ابن عباس نقل می‌کند که منظور از طعام اهل کتاب، ذبائح آن‌ها می‌باشد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۲۵) یکی از مفسران حنبلی مذهب در تفسیر این آیه می‌گوید که منظور از اهل کتاب، یهود و نصاری هستند و منظور از طعام آن‌ها، ذبائح آن‌ها می‌باشد، وی این نظر را به ابن عباس و بسیاری از علمای دیگر نیز نسبت می‌دهد. (ابن الجوزی، ۱۴۲۲: ۱/۵۱۷) ابن قدامه نیز در مسلمان یا کتابی، عاقل بودن را به عنوان شرط اهلیت ذابح ذکر کرده و عموم آیه را ذبائح اهل کتاب دانسته است. (ابن قدامه، ۱۴۱۴: ۱/۵۴۸)



بعضی گفته‌اند: منظور از طبیات خصوص طعام طیب است (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۸۴/۶). بعضی دیگر گفته‌اند: منظور از حلیت طعام اهل کتاب، حلیت به مقتضای اصل اولی است، و آن طعام‌هایی است که خدای تعالی هرگز و بر هیچ قومی تحریم نکرده، و گوشت حیوانات هم از همان طعام‌های حلال است، هر چند که یهود و نصارا طبق مراسم اسلامی حیوان را ذبح نکرده باشند، بلکه به مراسم خود ذبح کرده باشند، (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۰/۲) و عده‌ای دیگر گفته‌اند: مراد از "طعام اهل کتاب" خود طعام نیست بلکه با آنان غذا خوردن است (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۷۷/۶؛ ابن العربی، بی تا: ۳۲۲/۲) وی می‌گوید: قرآن کریم در سوره مائده فرموده: «أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلْأَيَّامِ» و احادی نگفته که منظور از طعامی که از شکار دریا به دست آید گندم و یا حبوبات است، و نیز فرموده: «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ جِلًّا لِيَنِي إِسْرَائِيلَ، إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ» (آل عمران/۹۳)، و در این آیه نیز احادی نگفته که منظور از این طعام خصوص گندم و حبوبات است برای این که ما می‌دانیم از این دانه‌ها هیچ يك بر بنی اسرائیل حرام نبوده، نه قبل از نزول تورات و نه بعد از آن، پس طعام در اصل به معنای هر چیزی است که طعم شود، یعنی چشیده، و یا خورده شود، خدای تعالی حتی درباره آب نهر درداستان طالوت از قول او حکایت کرده که گفت: «فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي، وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي» (بقره/۲۴۹) و نیز در باره غذا خوردن در خانه رسول خدا ﷺ فرموده: «فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَاتَّشَرُّوا» (احزاب/۵۳) (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۱۷۷/۶).

فقیهان اهل سنت، با تفسیر موافق حلیت از آیه ۵ سوره مائده و روایات پیشوایان خود، حلیت ذبیحه اهل کتاب را پذیرفته‌اند. علمای اهل سنت نیز به حلیت ذبیحه اهل کتاب نظر داده‌اند. (ابن ادریس، ۱۴۲۷: ۶۹/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۰۷/۱) در میان مذاهب فقهی اهل سنت، حنفیان شرط حلال بودن حیوانی را که به دست کتابی - چه یهودی و چه نصرانی - سربریده شده باشد، این دانسته‌اند که به نام غیر خدا کشته نشود و حلیت ذبیحه مسلمان و کتابی را به این دلیل می‌دانند که آن‌ها نام خدا را با خلوص می‌برند. (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷: ۵/۱۲) مالکیان گوشت حیوانهایی را که به دست اهل کتاب سربریده شده باشند، با سه شرط حلال می‌دانند: اول؛ به نام غیر خدا کشته نشود. دوم؛ کتابی، حیوانی را بکشد که خود، مالک آن است، نه حیوان شخص مسلمان را، هر چند که بنابر قول برتر آن هم حلال اما مکروه است. سوم؛ حیوان ذبح شده از حیوانهایی نباشد که خوردن آن در شریعت خودشان (کتابی) حرام است. (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۲۱۲/۲) همچنین آن‌ها به حلیت ذبائح زنان و نوجوانان اهل کتاب همچون مردان حکم کرده‌اند (همان: ۲۱۴/۲). حنبلیان به طور مطلق ذبیحه کتابی را مباح می‌دانند، تا جایی که بین عادل و فاسق از مسلمانان و اهل کتاب و حتی بین کتابی ذمی و حربی تفاوتی قائل

نیستند و عقیده دارند که مسلمان و کتابی در صید و ذبح، شرایطی برابر دارند و با یکدیگر فرقی ندارند. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۱۳۹۰/۹) شافعیان نیز فتوا داده‌اند که طعام اهل کتاب حلال است و طعام آنها همان ذبائح آنان است که اهل تفسیر این موضوع را ذکر کرده‌اند. پس اگر بر ذبائح خودشان نام خدا را ببرند، حلال است، ولی اگر به اسم مسیح یا غیر خدا ذبح کنند، ذبیحه آنان حلال نیست. (نووی، بی تا: ۹/۸) همچنین ابوحامد غزالی ذبیحه هر مسلمان یا کتابی عاقل و بالغ را که اهلیت برای ذبح کردن با دست خودش دارد، حلال می‌داند. (غزالی، ۱۴۱۷: ۱۰۱/۷)

### ۳-۴- دیدگاه علامه طباطبایی

از میان مفسران معاصر شیعه، دیدگاه علامه نسبت به حلیت ذبائح اهل کتاب از اهمیت زیادی برخوردار است. دیدگاه علامه با استدلالی روشن مبتنی بر دیدگاه مشهور فقهای شیعه، و ناظر به نقد دیدگاه رشید رضا و نقدهای وی نسبت به دیدگاه شیعه است. محور دیدگاه علامه در این باره بر تبیین لغوی - قرآنی معنای «طعام» است. وی ابتدا پیرامون حلیت ذبائح در آیه مورد بحث (آیه ۵ مائده) بیان می‌کند آیه نمی‌خواهد دو حکم مستقل از یکدیگر را بیان کند، یکی حلال بودن طعام مسلمانان برای اهل کتاب، و دیگری حلال بودن طعام اهل کتاب برای مسلمانان، بلکه می‌خواهد یک حکم را بیان کند، و آن حلال بودن طعام و رفع حرمت از آن است، و بفهماند هیچ منعی در دو طرف نیست. بنابراین، اطلاق این دیدگاه علامه می‌تواند شامل حلیت ذبائح اهل کتاب هم بشود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۲۶/۵).

به نظر علامه واژه «طعام» در اصل لغت به معنای هر چیزی است که قوت و غذای خورنده‌اش قرار گیرد و خورنده‌ای با آن، گرسنگی خود را بر طرف سازد، اما بعضی هم آن را به معنای خصوص گندم و سایر حبوبات دانسته‌اند، مثلاً ابن منظور به اهل حجاز نسبت داده که وقتی کلمه «طعام» را مطلق و بدون قرینه ذکر کنند تنها گندم را در نظر دارند. خلیل نیز گفته است: در کلام عرب لفظ «طعام» بیشتر در خصوص گندم استعمال می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۹۳/۲؛ ابن اثیر، ۶۰۶: ۱۲۶/۳). بنابراین، از نظر علامه «طعام» در زبان عربی هم به معنای مطلق طعام و خوردنی است و هم به معنای خصوص گندم و حبوبات است، و هنگامی که به طور مطلق به کار رود به معنای اخیر بوده، در غیر این صورت مطابق قرائن موجود در جمله معنا می‌شود.

دلیل دیگر علامه روایات ائمه اهل بیت (علیهم السلام) است که همسو با استعمال اهل حجاز مراد از طعام اهل کتاب در آیه شریفه را تنها گندم و سایر حبوبات دانسته‌اند (نه غذای پخته و گوشت و امثال آن)،

دلیل دیگر علامه این است که خدای تعالی در آیات تحریم، گوشت خوک و میت را

حرام دانسته، و ذبیحه اهل کتاب و حیوانی که با نام خدا، ذبح نشده از نظر اسلام میته است، و آیات تحریم چهار آیه است که در سوره‌های بقره، مائده، انعام و نحل آمده، و گوشت‌های حرام را رجس، فسق و اثم خوانده، و خدا منزه است از این که چیزی را که خودش رجس و فسق و اثم خوانده، حلال کند و بر حلال کردنش منت بگذارد، و بفرماید: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۲۸/۵). بنابراین، حلیت «طعام» اهل کتاب در آیه شریفه شامل گوشت حیوان غیر قابل تذکیه، چون خوک و سایر ذبایح قابل تذکیه اهل کتاب که با نام خدا ذبح نشده‌اند، نمی‌شود.

پاسخ علامه به رشیدرضا صاحب المنار از مفسران معاصر اهل سنت، که مطابق دیدگاه مشهور اهل سنت معتقد به حلیت ذبایح اهل کتاب است. و با ارائه بحثی قرآنی درباره طعام، معتقد است: از آن جا که «طعام» در برخی از آیات قرآن به معنای گوشت به کار رفته است. بنابراین، در آیه ۵ مائده نیز مقصود از آن مطلق طعام شامل گوشت هم می‌شود و در نتیجه آیه شریفه بر حلیت ذبایح اهل کتاب دلالت می‌کند. به نظر رشیدرضا واژه «یطعمه» (بقره/ ۲۴۹) در داستان طالوت در سوره بقره به معنای نوشیدن آب است و «طعمتم» (احزاب/ ۵۳) در سوره احزاب در داستان غذا خوردن مؤمنان در خانه رسول خدا (ﷺ) در ماجرای عروسی با زینب بنت جحش شامل طعام گوشتی و پخته می‌باشد. نیز در آیه «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ» (مائده/ ۹۶) «طعام» صید دریا و گوشت است نه حبوبات و گندم. بنابراین، دلیل بر انحصار «طعام» اهل کتاب به گندم و حبوبات و عدم شمول آن نسبت به ذبایح آن‌ها نیست (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۸۲/۶).

علامه در نقد رشیدرضا می‌نویسد: همان گونه که به نقل اهل حجاز آمد هر جا «طعام» - نه مشتقاتش مثل یطعمه و طعمتم - مطلق و بدون قید آمده مقصود از آن گندم و حبوبات است، نه معنای دیگر، مثلا در آیاتی نظیر «فِذَابِطِ طَعَامِ مَسْكِينٍ» (بقره، آیه ۱۸۴) و آیه: «أَوْ كَقَارِ طَعَامِ مَسَاكِينٍ» (مائده/ ۹۵) و آیه: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ» (انسان/ ۸) و آیه: «فَلْيُنْظَرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس/ ۱۴) که طعام مطلق آمده فقط شامل گندم و حبوبات شده و گوشت را در بر نمی‌گیرد، اما در آیاتی که رشیدرضا برای اثبات ادعایش به آن‌ها تمسک کرده قرینه وجود دارد که مقصود از طعام معنایی دیگر است. مثلا در آیه ۹۶ مائده کلمه «بحر» قرینه است که مقصود از آن گندم و حبوبات نیست، چون در دریا نه گندم می‌روید و نه جو. یا در آیه: «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِي إِسْرَائِيلَ...» (آل عمران/ ۹۳) لفظ کل قرینه است که «الطعام» شامل همه انواع خوردنی‌ها می‌شود. چنان که رشیدرضا خود به وجود قرینه خارجی و عقلی در این آیه توجه کرده و گفته که ما از دین یهود می‌دانیم که گندم و حبوبات بر آنان حرام نبوده، لذا این آیه به سایر انواع طعام اشاره دارد (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۷۸/۶). در واقع همین علم ما به احکام دین

یهود خود قرینه است بر اینکه منظور از کل الطعام غیر گندم و جو است (ر.ک: تاج آبادی، ۱۳۹۲: ۲۴۷).

نتیجه آن که مقصود از طعام در آیه ۵ مائده، همان طور که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) هم آمده گندم یا حبوبات است، اما رشیدرضا به منظور نقد نظر شیعه، به آیاتی استشهاد کرده است که یا متضمن مشتقات واژه طعام اند یا این واژه در آن آیات، به همراه قرینه به کار رفته است (همان). به نظر علامه آن دسته از روایات اهل بیت (علیهم السلام) که بر حلیت ذبایح اهل کتاب دلالت می کند، به مواردی اختصاص دارد که علم به تذکیر شرعی ذبایح اهل کتاب وجود داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۶).

### ۳-۵- دیدگاه آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی از مفسران بزرگ و معاصر شیعه است که بر خلاف دیدگاه مشهور فقهای شیعه و صاحب تفسیر المیزان، با استدلالی متین دیدگاهی نو و متفاوت درباره حلیت ذبایح اهل کتاب ارائه کرده است. به نظر علامه جوادی ظاهر آیه شریفه ۵ مائده بیان کننده حلیت طعام، بلکه ذبیحه اهل کتاب و مسلمانان برای یکدیگر است. خداوند در این آیه حلیت را توسعه داد و طعام و نکاح اهل کتاب را که پیش از نزول این آیه بر مسلمانان حرام بود حلال کرده است، چه این که ظاهر آیه در مقام بیان امری امتنایی است (جوادی، ۱۳۹۱: ۴۷/۲۲).

به نظر آیت الله جوادی گرچه واژه «طعام» در لهجه اهل حجاز به معنای خصوص حبوبات مانند برنج و گندم آمده است، اما این واژه در لغت عرب به معنای مطلق طعام و خوردنی ها اعم از حبوبات و غیر حبوبات به کار رفته و در آیه ۵ مائده بر پایه شواهد داخلی آیه، طعام حلال نمی تواند خصوص حبوبات باشد. دلایل آیت الله جوادی بر عدم اختصاص طعام به حبوبات و شمول آن نسبت به ذبیحه عبارت است از:

۱. نسبت دادن طعام به اهل کتاب (طعام الذین أوتوا الكتاب) و مسلمانان (طعامکم) مصحح می طلبد. چیزی که به عنایت پروردگار از زمین می روید یا به تولید و توالد از حیوان قبلی متولد می شود، به امت خاص یا ملت مخصوص استنادی ندارد؛ یعنی گندم یا جو یا برنج را نمی شود گفت گندم یهودی، جو مسیحی و برنج مسلمان؛ اما مذبوح یا مطبوح را که صنعت ویژه در آن اعمال می شود می توان گفت طعام فلان شخص یا غذای فلان امت یا کشتار فلان ملت. بنابراین، ظاهر تعبیر «طعامکم» و «طعام الذین أوتوا الكتاب» همان مطبوح و مذبوح آنان است، به شکلی که نمی شود این گونه از مصادیق را از عموم یا اطلاق دلیل حلیت خارج کرد.

ب) حبوبات، مشمول «الطیبات» در صدر همین آیه است و طبعاً هر انسانی آن را طیب می داند و از آن ها استفاده می کند؛ اگر مراد از طعام نیز حبوبات باشد، در آیه شریفه

تکرار و لغو لازم می‌آید که قرآن از آن منزّه است و چنانچه ذکر خاص بعد از عام باشد، باید در بردارنده نکته خاصی باشد که همان طعام مطبوح بودن (غذای گوشتی و پخته) است.

ج) حیوانات، به طور مطلق، برای مسلمانان حلال است؛ خواه حیوانات مشرکان باشد یا اهل کتاب، پس اگر «طعام» خصوص حیوانات باشد، نباید حلیت آن را منحصر به طعام اهل کتاب دانست.

د. واژه «الیوم = امروز» در صدر آیه، بیانگر ارائه خبری مهم است، و آن حلیت غذا، ذبیحه و نکاح اهل کتاب می‌باشد و نمی‌توان مقصود از طعام را صرف حیوانات دانست، زیرا به دلالت برخی آیات، حیوانات آن‌ها پیش از نزول سوره مائده نیز حلال بود و نیازی به بیان حلیت دوباره آن نیست. در تفسیر آیه «و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و...» که قبل از سوره «مائده» نازل شده، آمده است که حضرت علی (علیه السلام)، مقداری جو از یک یهودی (اهل کتاب) وام گرفت؛ نیز در مدینه میان مسلمانان و یهودیان تجارت رواج داشت و پیغمبر از آن‌ها حیوانات قرض می‌گرفت، پس حیوانات اهل کتاب قبلاً حلال بوده است.

ه) سیاق آیات مورد بحث نیز درباره حلیت و حرمت لحوم است: نخست فرمود: «أحلت لکم بهیمة الأنعام إلا ما تلی علیکم» سپس اقسام گوشت‌های حرام را برشمرد: «حرمت علیکم المیتة و...» و سرانجام اقسام گوشت‌های حلال را ذکر کرد، پس به ظهور وحدت سیاق نیز مراد از طعام، ذبیحه و مواد پختنی است از جمله حیوانات. البته اگر دلیل متقنی برای تخصیص عموم قرآن یا تقیید اطلاق آن یافت شود، حکم به تخصیص یا تقیید شده و حلیت را به حیوانات محدود می‌کنیم. (جوادی، ۱۳۹۱: ۵۰/۲۲) افزون بر این دلایل داخلی آیه، شواهد خارجی نیز این معنا را تأیید می‌کنند:

أ. «أجل لکم صید البحر و طعامه متاعکم» (انعام / ۹۶) «طعام البحر» موجودات دریایی مانند ماهی است.

ب. «و قالوا هذه أنعام و حرث حجر لا یطعمها إلا من نشاء بزعمهم» (انعام / ۱۳۸) در این آیه از انعام و کشتزار به «طعام» یاد شده است و این دو وقتی طعام‌اند که مذبوح و پخته شوند.

ج. «قل لا أجد فی ما و حی الی محرماً علی طاعم یطعمه إلا أن ین یكون مینة أو دماً مسفوحاً أو لحم خنزیر» (انعام / ۱۴۵) طعام بر گوشت و مذبوح اطلاق شده است.

د. «لا یتیکم طعام ترزقانه إلا بتأکم یا و یله قبل أن یتیکم» (یوسف / ۳۷) غذای دو هم زندانی حضرت یوسف از نان و مطبوح بود نه جو و گندم.

ه. «و یدکر و اسم الله فی آیام معلومات علی مارزقهم من بهیمة الأنعام فکلوا منها و أطعموا»

البَّائِسِ الْفَقِيرِ، (حج / ۲۸) از گوشت قربانی به طعام تعبیر شده است که هم ذبیحه است و هم خوردنی مرطوب.

و. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا، فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا» (احزاب/ ۵۳). این آیه در بیان برخی از آداب به محضر پیامبر می‌فرماید که بی‌دعوت به خانه آن حضرت وارد نشوید و چون دعوت شدید، منتظر بختن و آماده شدن غذا نباشید. پیامبر اکرم مردم را برای خوردن برنج و گندم خام دعوت نمی‌کرد، بلکه از آن‌ها با غذای پخته پذیرایی می‌کرد (همان: ۵۱).

ز. «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِأَتُرِيدُوا مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (انسان / ۸-۹) مطابق روایات حضرت فاطمه آرد و خمیر آماده کرد و نان پخت؛ سپس حضرت علی آن‌ها را به سائل داد. (رسولی، ۱۳۶۳: ۳۹۰/۲)

نتیجه آن‌که، طعام به معنای خصوص جو و گندم نیست، بلکه شواهد داخلی آیه و خارجی، ذبیحه و مطبوخ و مرطوب بودن را نیز بیان می‌کنند. بنابراین، ظاهر آیه، حلیت طعام مطبوخ اهل کتاب، اعم از مذبوح و غیرمذبوح است که لازمه آن دو چیز است: ۱. طهارت اهل کتاب؛ ۲. حلیت ذبیحه آن‌ها (جوادی، ۱۳۹۱: ۵۲/۲۲).

گفتنی است چنان‌چه ظاهر آیه طبق شواهد گذشته، عام یا مطلق باشد. که براساس آن به حلیت طعام مطبوخ اهل کتاب اعم از مذبوح و غیرمذبوح حکم می‌شود در صورت وجود مخصص یا مقید معتبر، عموم یا اطلاق آیه تخصیص یا تقیید زده خواهد شد، اما اگر ظاهر آیه یا مورد انصراف قابل اعتماد آن خصوص مطبوخ یا مذبوح باشد مجالی برای تخصیص یا تقیید نخواهد بود (همان: ۵۳).

### ۳-۷- مقایسه دو دیدگاه اخیر

چنان‌که ملاحظه می‌شود؛ علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی دو مفسر معاصر شیعی و هر دو متعلق به بوم مشترک، اما دو مقطعی زمانی متفاوت، گرچه نزدیک به هم هستند. یک مفسر متعلق به قبل از انقلاب اسلامی و دیگری متعلق به بعد از انقلاب اسلامی می‌باشند. مبانی و روش هر دو مفسر یکسان یا بسیار نزدیک به هم است. هر دو مفسر، عقلگرا، و معتقد به حجیت روایات اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر به ویژه در بیان احکام فقهی قرآن‌اند، و روش اصلی آن‌ها در تفسیر قرآن روش قرآن به قرآن است. به علاوه رابطه آن‌ها رابطه استاد و شاگردی است با این همه این دو مفسر در تفسیر آیه ۵ مائه به دو نتیجه متفاوت دست یافته‌اند. علامه طباطبایی با تحلیل ادبی از آیه، و روش تفسیر قرآن به قرآن و بهره‌گیری از روایات اهل بیت (علیهم السلام) عدم حلیت ذبیح اهل کتاب را از آیه استنباط کرده است، این برداشت از آیه شریفه

اولاً؛ مبتنی بر تحلیل معنای قرآنی طعام بود که به باور علامه، این کلمه به صورت اسمی هر جا در قرآن به صورت مطلق به کار رفته، مقصود از آن حبوبات است. و هر جا به معنایی اعم از حبوبات و گوشت است دارای قرینه می‌باشد. این قرائن در نظر علامه گاهی سیاقی و لفظی است و گاهی خارج از لفظ و سیاق و مربوط به فضای نزول است، ثانیاً؛ دیدگاه علامه مبتنی بر روایات اهل بیت (علیهم السلام) و دیدگاه مشهور میان فقهای شیعه مبنی بر عدم حلیت و حرمت ذبایح اهل کتاب است (ر.ک: طباطبایی، ۲۱۵) بر همین اساس، مشاهده می‌شود که علامه نسبت به برخی از روایاتی که ذبایح اهل کتاب را حلال می‌شمرد، آن‌ها را مقید و مختص به مواردی دانسته که برای مسلمان علم به تذکیه و شرعی بودن ذبیحه اهل کتاب حاصل شده باشد. البته علامه برای این اختصاص دلیلی ارائه نمی‌دهد، و ظاهراً دیدگاه مشهور و بیشتر فقهای شیعه مبنای این تقیید علامه است.

اما آیت‌الله جوادی با وجود اشتراک مبنا و روش با علامه به استنباطی مخالف و متفاوت با علامه دست یافته و از همین آیه شریفه طهارت اهل کتاب و حلیت ذبایح آن‌ها را استنباط کرده است. دیدگاه آیت‌الله جوادی در این استنباط نیز مبتنی بر تحلیل معنای لغوی طعام در آیه شریفه و قرآن، سیاق آیه است. تحلیل ایشان از آیه شریفه دقیق‌تر و عمیق‌تر از استدلال علامه به نظر می‌رسد. به نظر آیت‌الله جوادی اضافه طعام به مؤمنان (طعامکم) و اهل کتاب، و تعبیر الیوم در صدر آیه، و کاربرد طعام در قرآن دلالت بر این دارد که مقصود از طعام اهل کتاب اعم از حبوبات بوده و شامل ذبایح نیز می‌شود. آیت‌الله جوادی بدون آن که به استدلال علامه مبنی بر دلالت «طعام» به طور مطلق در قرآن بر حبوبات پاسخ دهد، به بررسی موضوعی طعام و مشتقات آن در قرآن دست زده و نتیجه گرفته است که در قرآن این واژه در معنایی اعم از حبوبات به کار رفته است. بنابراین، طعام در آیه ۵ مائده نیز باید بر همان معنای قرآنی واژه که اعم است حمل شود. هم چنین آیت‌الله جوادی به استدلال علامه به روایات اهل بیت (علیهم السلام) پاسخ نداده است، گویا وی این روایات را - که با روایاتی دیگر از اهل بیت که بر حلیت ذبایح اهل کتاب دلالت دارد - با قرآن در تعارض دیده و روایات دال بر حلیت که با مدلول قرآنی هماهنگ می‌باشد را بر روایات دال بر عدم حلیت ترجیح داده است. در روایتی که ابوعلی اشعری از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده، حضرت ضمن این که اسماعیل بن جابر از خوردن طعام اهل کتاب نهی می‌کند، می‌فرماید: طعام آن‌ها را حرام نشمار، اما از آن پرهیز و اجتناب کن، زیرا ظروف آن‌ها آلوده به شراب و گوشت خوک است (حویزی، ۱۶۱۵: ۵۹۳/۱). بنابراین، علت تفاوت تفسیر و استنباط آیت‌الله جوادی با علامه طباطبایی، علاوه بر اشتراک در مبانی، روش،

و مذهب، احتمالاً به دو امر برمی‌گردد: یکی تفاوت شخصی دو مفسر در تحلیل و تبیین آیه شریفه و دیگری تفاوت عصر و فضایی دو مفسر، چه این که تفسیر آیت‌الله جوادی می‌تواند تا حدودی تحت تأثیر عصر پس از انقلاب اسلامی و روابط بیشتر مسلمانان با اهل کتاب پس از انقلاب اسلامی و مباحث جدیدی که در این دوره در ارتباط با اهل کتاب انجام شده، قرار گرفته است.

### نتیجه

آیه پنجم سوره مائده از جمله آیاتی است که در بحث حلیت ذبایح اهل کتاب مورد اختلاف مفسران است. در این آیه شریفه به حلال بودن طعام اهل کتاب، برای مسلمان تصریح شده است. اما در بین مفسران درباره چستی طعام در آیه یاد شده، اختلاف وجود دارد، برخی از مفسران از جمله علامه طباطبایی آن را به حیوانات تفسیر و نظر کسانی که قائل به حلیت ذبیحه اهل کتاب شده‌اند از جمله رشید رضا را رد می‌کند و استدلال‌های آن را سست و بی‌پایه می‌داند، اما آیت‌الله جوادی آملی با این که در مبانی، روش تفسیری و مذهب، موافق با علامه طباطبایی است، بر خلاف وی، طعام در آیه شریفه را شامل هر نوع غذا از جمله ذبیحه و غذای مطبوخ می‌داند و با شواهد داخل و خارج آیه بیان می‌کند که ظاهر آیه ۵ مائده بر حلیت طعام مطبوخ اهل کتاب، اعم از مذبوح و غیرمذبوح دلالت دارد و لازمه آن دو چیز است: ۱. طهارت اهل کتاب؛ ۲. حلیت ذبیحه آن‌ها. علت تفاوت تفسیر و استنباط آیت‌الله جوادی با علامه طباطبایی، علاوه بر اشتراک در مبانی، روش، و مذهب، احتمالاً به دو امر برمی‌گردد: یکی تفاوت شخصی دو مفسر در تحلیل و تبیین آیه شریفه و دیگری تفاوت عصر و فضایی دو مفسر، چه این که تفسیر آیت‌الله جوادی می‌تواند تا حدودی تحت تأثیر عصر پس از انقلاب اسلامی و روابط بیشتر مسلمانان با اهل کتاب پس از انقلاب اسلامی و مباحث جدیدی که در این دوره در ارتباط با اهل کتاب انجام شده، قرار گرفته است.



## منابع

۱. ابن ابی عقيل عمانی، حسن بن علی (بی تا): «مجموعه فتاوی ابن ابی عقيل»، قم: اخلاص.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۶۰۶-۵۴۴): «النهاية في غريب الحديث والاثر»، للامام مجدالدين ابی السعادات المبارک بن محمد الجرزی ابن الاثير»، قم: انتشارات مؤسسه اسماعيليان، چاپ چهارم.
۳. ابن الجلاب، عبيدالله بن حسين (۱۴۲۸ق): «التفريع في فقه الإمام مالك بن انس»، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ دوم.
۴. ابن الجوزي، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق): «زاد المسير في علم التفسير»، عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار الكتاب العربي.
۵. ابن العربي، محمد بن عبدالله بن ابوبکر (بی تا): «احكام القرآن»، علی محمد بجاوی، بيروت: دار الجليل.
۶. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۴۱۵): «المقنع»، قم: مؤسسه امام هادی (عج)، چاپ اول.
۷. ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق): «التسهيل العلوم التنزيل»، عبدالله خالدی، بيروت: شرکت دار الأرقم بن ابی الأرقم.
۸. ابن جنيد اسكافي، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق): «مجموعه فتاوی ابن جنيد»، قم: دفتر انتشارات اسلامي، اول.
۹. ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا): «مسائل الامام احمد بن حنبل»، هند، الدار العلمية.
۱۰. ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق): «بداية المجتهد ونهاية المقتصد»، قاهره: دار الحديث.
۱۱. ابن سيده، أبو الحسن علی بن إسماعيل (۵۸هـ): «المحكم و المحيط الأعظم»، عبد الحميد هنداوی بيروت: المكتبة العلمية.
۱۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق): «المغنی»، قاهره: مكتبة القاهرة، چاپ دوم.
۱۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۱۴ق): «الكافي في فقه الإمام احمد»، بيروت: دارالكتب العلمية.
۱۴. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (۱۴۱۹ق): «تفسير القرآن العظيم»، محمد حسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بيروت: دارصادر.
۱۶. تاج آبادی، مسعود (۱۳۹۲ش): «المناردرأينه الميزان»، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. جصاص، احمد بن علی (۱۴۳۱ق): «شرح مختصر الطحاوی»، بی جا: دار البشائر الإسلامية- دار السراج.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱): «تسنيم»، قم: نشر اسراء، چاپ سوم.
۱۹. جوهری، إسماعيل بن حماد (۵۱۴۰۷هـ): «الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية»، أحمد عبد الغفور عطار بيروت: دار العلم للملايين.
۲۰. حسینی زبیدی، محمد بن محمد (بی تا): «تاج العروس من جواهر القاموس»، بی جا: دار الهدایة، چاپ دوم.
۲۱. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق): «شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم»، بيروت: دار الفكر المعاصر.
۲۲. حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق): «تفسير نور الثقلين»، قم: اسماعيليان.
۲۳. داورپناه، ابوالفضل (۱۳۶۶ش): «انوار العرفان في تفسير القرآن»، تهران: کتابخانه صدر.
۲۴. راغب اصفهانی، حسين بن محمد (۱۴۲۴ق): «تفسير الراغب الأصفهانی»، رياض: مدار الوطن.
۲۵. راغب اصفهانی، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق): «مفردات ألفاظ القرآن»، صفوان عدنان داوودی، بيروت: دار القلم.
۲۶. رباط، خالد و عزت عيد (۱۴۳۰ق): «الجامع العلوم الإمام أحمد الفقه»، مصر: دارالفلاح.
۲۷. رشيد رضا، محمد (۱۴۱۴ق): «تفسير القرآن الحكيم الشهير بتفسير المنار»، بيروت: دار المعرفة.
۲۸. زبیدی، مرتضی (۵۱۲۰۵هـ): «تاج العروس من جواهر القاموس»، مجموعه محققين، بی جا: دار الهدایة.
۲۹. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق): «الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل»، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ سوم.
۳۰. سمرقندی، نصر بن محمد (بی تا): «بحر العلوم»، بيروت: دار الفكر، چاپ دوم.
۳۱. سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷ق): «عيون التفاسير»، بيروت: دارصادر، چاپ دوم.

۳۲. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ ق): «تفسیر الجالین»، عبد الرحمن بن ابی بکر، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
۳۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ ق): «الإتقان فی علوم القرآن»، سعید المندوب، لبنان: دار الفكر.
۳۴. شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۱۰ ق): «الأم»، بیروت: دار المعرفة.
۳۵. شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۲۷ ق): «تفسیر الإمام الشافعی»، عربستان: دار التدمرية، چاپ دوم.
۳۶. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ ق): «الدروس الشرعية فی فقه الإمامية»، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. شیرازی، ابراهیم بن علی (بی تا): «المهذب فی فقه الإمام الشافعی»، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۸. شیرازی، ابراهیم بن علی (بی تا): «التنبیه فی الفقه الشافعی»، بیروت: عالم الکتب.
۳۹. صدر، محمد (۱۴۲۰ ق): «ماوراء الفقه»، بیروت: دارالأضواء.
۴۰. طباطبائی، محمد حسین (بی تا): «المیزان»، قم: نشر جامع مدرسين، چاپ پنجم.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ ق): «تفسیر جوامع الجامع»، ابوالقاسم گرگی، قم: حوزه علمیه قم مرکز مدیریت.
۴۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۱ ق): «تهذیب الاحکام»، حسن موسوی، بیروت: دار الصعب-دار التعارف.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق): «المبسوط فی فقه الإمامية»، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ دوم.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق): «کتاب التفسیر»، هاشم رسولی، تهران: چاپخانه علمیه.
۴۷. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۷ ق): «الوسیط فی المذهب»، قاهره: دار السلام.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا): «العین»، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
۴۹. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ ق): «تفسیر الصافی»، حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم.
۵۰. فیومی، أحمد بن محمد بن علی (بی تا): «المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير»، بیروت: المكتبة العلمية.
۵۱. قدوری، احمد بن محمد (۱۴۱۸ ق): «مختصر القدوری فی الفقه الحنفی»، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ ق): «الجامع لأحكام القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۳. قلعه جی، محمد رواس و صادق قنیبی حامد (۱۴۰۸ ق): «معجم لغة الفقهاء»، بیروت: دار النفائس.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ ش): «فروع کافی»، قم: انتشارات قدس، چاپ پنجم.
۵۵. مالک بن انس (۱۴۱۵ ق): «المدونة»، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵۶. مجددی برکتی، محمد عمیم احسان (۱۴۲۴ ق): «التعريفات الفقهية»، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵۷. مصطفوی، حسن (۱۴۲۶ هـ): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش): «نمونه»، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲ ش): «برگزیده تفسیر نمونه»، احمد علی بابایی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ سیزدهم.
۶۰. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷ ق): «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
۶۱. نووی، یحیی بن شرف (بی تا): «المجموع شرح المهذب»، بیروت: دارالفکر.
۶۲. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲ ش): «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت»، قم: مؤسسه معارف فقه اسلامی، چاپ سوم.

## References

1. Ibn Abi Aqeel Omani, Hasan Ibn Ali (Beta): "Collection of fatwas of Ibn Abi Aqeel", Qom: Ikhlas, I
2. Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad (606-544 A.H.): "Al-Nahiya fi Gharib al-Hadith and Al-Athar, for Imam Majdal-Din Abi al-Sadat al-Mubarak bin Muhammad al-Jarzi Ibn al-Athir", Qom: Ismailian Institute Publications, IV
3. Ibn al-Jallab, Ubaidullah bin Husayn (1428 AH): "Al-Tafari fiqh of Imam Malik bin Anas", Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiya, II
4. Ibn al-Jawzi, Abd al-Rahman bin Ali (1422 AH): "Zad al-Masir in the Science of Tafsir", Abd al-Razzaq al-Mahdi, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, I
5. Ibn Al-Arabi, Muhammad bin Abdullah bin Abu Bakr (Beta): "The Laws of the Qur'an", Ali Muhammad Bejawi, Beirut: Dar Al-Jil, I
6. Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1415 AH): "Al-Muqnaq", Qom: Institute of Imam Hadi (AS), first
7. Ibn Jazi, Muhammad bin Ahmad (1416 AH): "Al-Tasheel Uloom al-Tanzil", Abdullah Khalidi, Beirut: Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam, I
8. Ibn Junayd Askafi, Muhammad Ibn Ahmad (1416 AH): "The Fatawi Group of Ibn Junayd", Qom: Islamic Publications Office, I
9. Ibn Hanbal, Ahmad bin Muhammad (B.T.A.): "Problems of Imam Ahmad bin Hanbal", India, Al-Dar Al-Elamiya, I
10. Ibn Rushd, Muhammad Ibn Ahmad (1425 AH): "The Beginning of Al-Mujtahid and the End of Al-Maqtasad", Cairo: Dar al-Hadith, I
11. Ibn Saydeh, Abu al-Hasan Ali bin Ismail (458 AH): "Al-Mahkem wa Al-Azam al-Azam", Abd al-Hamid Hindawi, Beirut: Al-Maqabah Al-Elamiya
12. Ibn Qudama, Abdullah bin Ahmad (1388 AH): "Al-Mughni", Cairo: Cairo Library, II
13. Ibn Qudama, Abdullah bin Ahmad (1414 AH): "Al-Kafi fi fiqh al-Imam Ahmad", Beirut: Dar al-Kutb al-Elamiya, I
14. Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar (1419 A.H.): "Tafsir al-Qur'an al-Azeem", Muhammad Hossein Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya, I
15. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414 AH): "Languages of the Arabs", Beirut: Dar Sader, I
16. Tajabadi, Masoud (2012): "Al-Manar in the Mirror of Al-Mizan", Tehran: Hozvad University Research Institute. First
17. Jasas, Ahmad bin Ali (1431 AH): "A brief summary of al-Tahawi", Bibai: Dar al-Bashair al-Islami, Dar al-Sarraj, first
18. Javadi Amoli, Abdullah (2013): "Tasnim", Qom: Esra Publishing House, third
19. Johari, Ismail bin Hammad (1407 AH): "Al-Sahah Taj Al-Lagha and Sahah Al-Arabiya", Ahmed Abd al-Ghafoor Attar, Beirut: Dar Al-Alam for the Millions
20. Hosseini Zubeidi, Muhammad bin Muhammad (B): "Taj al-Aros Man Jawahar Al-Qamoos", Bibi: Dar Al-Hadaiya, II
21. Hamiri, Nashwaan bin Saeed (1420 AH): "Shams-ul-Uloom and the medicine of Arabic knowledge, Man-al-Kloom", Beirut: Dar al-Fakr al-Mawdah, first
22. Davrpanah, Abolfazl (1366): "Anwar al-Irfan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Sadr Library, I
23. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1424 AH): "Tafsir al-Ragheb al-Esfahani", Riyadh: Madar al-Watan, I
24. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412 AH): "The Vocabulary of Al-Qur'an Words", Safwan Adnan Davoudi, Beirut: Dar Al-Qalam, I
25. Rabat, Khalid and Ezzat Eid (1430 AH): "Al-Jamae Al-Uloom Al-Imam Ahmad al-Fiqh", Egypt: Dar al-Falah, I
26. Rashid Reza, Muhammad (1414 AH): "Tafsir al-Qur'an al-Hakim famous with Tafsir al-Manar", Beirut: Dar al-Merfafa, first
27. Zubeidi, Morteza (1205 AH): "Taj al-Aros Man Javaher al-Qamoos", collection of researchers, Bibai: Dar Al-Hadaiya
28. Zamakhshari, Mahmoud 1407 (AH): "Al-Kashf on the facts of Ghawamaz al-Tanzir", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, third
29. Samarqandi, Nasr bin Muhammad (Beta): "Bahr al-Uloom", Beirut: Dar al-Fikr, II

30. Sivasi, Ahmad bin Mahmud (1427 AH): "Ayun al-Tafaseer", Beirut: Dar Sader, II
31. Siyuti, Jalal al-Din (1416 A.H.): "Tafsir al-Jalalin", Abd al-Rahman bin Abi Bakr, Beirut: Al-Nour Press Institute, first
32. Shafi'i, Muhammad bin Idris (1410 AH): "The Nation", Beirut: Dar al-Marafah, first
33. Shafi'i, Muhammad bin Idris (1427 AH): "Tafsir al-Imam al-Shafi'i", Arabia: Dar al-Tamariya, II
34. The first martyr, Muhammad bin Makki (1417 AH): "Sharia lessons in Imamate jurisprudence", Qom: Islamic Publications Office, first
35. Shirazi, Ibrahim bin Ali (B.T.A.): "Al-Mahdab fi Fiqh al-Imam al-Shafi'i", Beirut: Dar al-Kitab Al-Ilami, I
36. Shirazi, Ibrahim bin Ali (Bita): "Al-Tanbiyyah in Fiqh Al-Shafi'i", Beirut: Alem al-Kutub, I
37. Sadr, Muhammad (1420 AH): "Beyond Jurisprudence", Beirut: Dar al-Awat, first
38. Tabatabaei, Mohammad Hossein (B.T.A.): "Al-Mizan", Qom: Jame Modaresin Publication, 5th
39. Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372): "Majjam al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosrow Publications, third
40. Tabarsi, Fazl bin Hasan (1412 AH): "Tafsir Jama'im al-Jami", Abul Qasim Gurji, Qom: Qom University of Management Center, I
41. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan ibn Ali (1401 AH): "Tahdib al-Ahkam", Hassan Mousavi, Beirut: Dar al-Sahab Dar al-Taqqin, first
42. Tousi, Muhammad bin Hassan (1387 AH): "Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiya", Tehran: Al-Mortazawi Library for the Revival of Al-Jaafari's Antiquities, II
43. Tousi, Muhammad bin Hassan (B.T.A.): "Altabyan fi Tafsir al-Qur'an", Ahmed Qasir Aamili, Beirut: Dar Ahyaya al-Trath al-Arabi, first
44. Ayashi, Muhammad bin Masoud (1380 AH): "Kitab al-Tafsir", Hashem Rasouli, Tehran: Ulmia Printing House, first
45. Ghazali, Muhammad ibn Muhammad 1417 (AH): "Al-Wasit fi al-Mahhab", Cairo: Dar al-Salam, I
46. Farahidi, Khalil bin Ahmad (B.T.A.): "Al-Ain", Beirut: Dar and Al-Hilal Library, I
47. Faiz Kashani, Mulla Mohsen (1415 AH): "Tafsir al-Safi", Hossein Alami, Tehran: Sadr Publications, second.
48. Fayoumi, Ahmed bin Muhammad bin Ali (B.T.A.): "Al-Masbah al-Munir in Gharib al-Sharh al-Kabeer", Beirut: Al-Mahababah Al-Elamiya.
49. Qaduri, Ahmad bin Muhammad (1418 AH): "A summary of al-Qaduri fi fiqh al-Hanafi", Beirut: Dar al-Kitab Al-Elamiya, I
50. Qortubi, Muhammad bin Ahmad (1405 AH): "Al-Jamae for the Ahkam of the Qur'an", Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi, first
51. Qalaji, Mohammad Ravas and Sadiq Qoneibi Hamed (1408 AH): "Majam lingha al-faqaha", Beirut: Dar Al-Nafais, I
52. Kilini, Mohammad Bin Baqub (1388): "Sufficient Branches", Qom: Quds Publications, 5th
53. Malik bin Anas (1415 AH): "Al-Maduna", Beirut: Dar al-Kutb al-Elamiya, first
54. Mujadadi Barkati, Mohammad Umim Ehsan (1424 A.H.): "Al-Tarifāt al-Fiqhiyah", Beirut: Dar al-Kutb Al-Elamiya, I
55. Mostafavi, Hassan (1426 AH): "Research on the words of the Holy Qur'an", Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, first
56. Makarem Shirazi, Nasser (1374): "Example", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, I
57. Makarem Shirazi, Nasser (1382): "Selected Tafsir Nashet", Ahmad Ali Babaei, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, 13th
58. Najafi, Mohammad Hasan (1367 AH): "Javaher Kalam fi Sharh Sha'ree al-Islam", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, II
59. Nawi, Yahya Ibn Sharaf (Bita): "Al-Majmoo Sharh al-Muhdezb", Beirut: Dar al-Fikr, I
60. Hashemi Shahroudi, Mahmoud (1382): "Jurisprudence culture according to the religion of Ahl al-Bayt", Qom: Institute of Islamic Jurisprudence, third